

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
زن در آینه ضرب‌المثل‌های کردی و عربی

مسلم خزلی*^۱

علی سلیمی^۲

چکیده

ضرب‌المثل‌های کردی، به‌عنوان پل ارتباطی دو فرهنگ ایرانی-اسلامی، نقش ارزشمندی در زنده‌نگه‌داشتن ارزش‌های فرهنگی دارد. این زبان، در طول تاریخ و بویژه پس از ورود اسلام به ایران، با زبان عربی در ارتباط بوده و بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی را با فرهنگ و زبان عربی مبادله کرده‌است. با توجه به نقش بی‌همتای زن در فرهنگ ایرانی و عربی، در این نوشتار تلاش می‌شود با رویکردی تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، به بررسی تطبیقی سیمای زن در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی پرداخته شود و دیدگاه‌های مشترک گویندگان دو زبان کردی و عربی در مورد زن، بیان شود و ریشه‌ها و عوامل پیدایش چنین دیدگاه‌هایی واکاوی شود. براساس یافته‌های پژوهش، زن در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، دارای دو بعد مثبت و منفی است و صفات نیک و زشتی به او نسبت داده شده‌است که هر کدام متأثر از نوع حکومت، شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عقاید دینی و مذهبی بوده‌است. بسته به نوع شرایط خاص زمانی، در هر دو فرهنگ و زبان کردی و عربی در مورد خوب بودن یا نبودن زن افراط و تفریط شده‌است و گاهی نیز راه اعتدال در پیش گرفته شده‌است ولی تحت هر شرایطی، نقش سازنده زن در جامعه، چه زیاد و چه کم، در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی انعکاس یافته‌است.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل‌های کردی، ضرب‌المثل‌های عربی، زن، فرهنگ ایرانی-اسلامی، رویکرد تاریخی.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه: moslem_khezeli@yahoo.com

^۲ - استاد بخش زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی کرمانشاه: salimi1390@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۲۴

۱- مقدمه

مثل، جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی، مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ و روشنی معانی در میان مردم رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر به کار می‌برند. (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۵)

ضرب‌المثل‌ها، آینه تمام‌نمای فرهنگ و اندیشه هر ملت و تمدنی هستند که در طول تاریخ، از نسلی به نسلی دیگر نقل شده‌اند. زن، به‌عنوان یکی از دو رکن اصلی جامعه، بازتاب گسترده‌ای در ضرب‌المثل‌ها داشته‌است. تصویر زن در ضرب‌المثل‌ها، دارای دو بعد منفی و مثبت است. در ضرب‌المثل‌های جهانی، به عباراتی برمی‌خوریم که دیدگاهی منفی و خصمانه نسبت به زن را انعکاس می‌دهند. از جمله این ضرب‌المثل‌هاست؛ کسی که به زن اطمینان می‌کند، گویی بر روی یخ می‌نویسد، زن، مویش دراز و عقلش کوتاه‌است، نصیحت زن، جز به خودش سود نمی‌رساند. (الکندری و ملک، ۲۰۰۹: ۱۷۸) با وجود این، ضرب‌المثل‌های بسیاری وجود دارند که به ستایش جایگاه والای زن پرداخته و صفات نیک او را ستوده‌اند. پس جایگاه زن در طول تاریخ و در دوره‌های مختلف، دارای فراز و نشیب فراوانی بوده‌است که در ادبیات ملت‌ها و بویژه در ضرب‌المثل‌ها، بازتاب یافته‌است.

۱-۱- بیان مسئله

با توجه به اینکه دو زبان کردی و عربی در طول تاریخ، پیوسته در سایش با هم بوده‌اند، با رویکردی تاریخی و براساس چارچوب‌های ادبیات تطبیقی، به بررسی تطبیقی سیمای زن در دو فرهنگ و زبان کردی و عربی خواهیم پرداخت و وجوه اشتراک فرهنگی در مورد زن را در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی واکاوی خواهیم کرد. با مقایسه ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، در واقع، به درک و شناخت درستی از اعتقادات، آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی دو فرهنگ ایرانی و عربی دست خواهیم یافت. در این نوشتار، ما بیشتر بر ضرب‌المثل‌های رایج در گویش کردی جنوبی یا (کرمانشاهی-ایلامی) تأکید داریم و برای ضرب‌المثل‌های عربی، افزون بر امثال عامیانه از کتاب «مجمع الامثال میدانی» استفاده شده‌است. همچنین برای فهم آسان‌تر، ضرب‌المثل‌های کردی، به شکل فونتیک لاتین نیز نوشته شده‌اند و واژگان اصیل کردی نیز ترجمه شده‌اند.

۲-۱- پیشینه تحقیق

در مورد ضرب‌المثل‌های کردی، مقالاتی به چاپ رسیده‌است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- ضرب‌المثل‌های تعلیمی و تربیتی کُردی (۱۳۸۶)، رسول رش احمدی و المیرا شاهرودی.
- ۲- مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کُردی (مورد مطالعه: گویش سورانی- مکریانی) (۱۳۹۱)، احمد محمدپور، جلیل کریمی و شمیم معروف‌پور.

در مورد ضرب‌المثل‌های عربی نیز به صورت اختصاصی، مقالاتی به چاپ رسیده‌است؛ از جمله: ۱- صورة المرأة في الأمثال الشعبية الأردنية (۲۰۱۱)، صالح سويلم الشرفات. ۲- المرأة في الأمثال والأقوال، رؤيته معا صره (۲۰۰۷)، رعدة شريم. ۳- صورة المرأة في الأمثال الشعبية من منظور طلبة كلية التربية الأساسية في الكويت (بدون التاريخ) الكندري، لطيفة، محمد ملك، بدر. ۴- صورة المرأة في الأمثال الشعبية الفلسطينية (۱۴۲۷)، محمد نجم، منور عدنان، عبدالعزيز علي، عزيزة. ۵- صورة المرأة في الأمثال الشعبية (دراسة موازنة بين الموصل و الحلب) (۱۴۳۱)، محمد العبيدي، علي احمد.

در مورد تطبیق ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی نیز مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات» (۱۳۹۲)، توسط سید مهدی مسبوق و مریم برزگر به چاپ رسیده‌است.

در مورد تطبیق ضرب‌المثل‌های کردی و عربی نیز دو مقاله به چاپ رسیده‌است: ۱-، زبان کُردی و در هم تشیدگی آن با فرهنگ فارسی و عربی، بررسی تطبیقی برخی از ضرب‌المثل‌ها (۱۳۹۲)، علی سلیمی و مسلم خزلی. ۲- جهانگیر امیری و مسلم خزلی (۱۳۹۳)، تأثیر کلام علی (ع) بر ضرب‌المثل‌های کردی.

در مقالات پیشین، بیشتر یا به بررسی اختصاصی ضرب‌المثل‌های کردی و عربی به صورت جداگانه پرداخته شده یا مقایسه بین ضرب‌المثل‌های این دو زبان در موضوعات دیگر بوده‌است. با کاوشی نظام‌مند در آثار و مقالات دیگر و همچنین بررسی سایت‌های اینترنتی، به این نتیجه رسیدیم که تاکنون در مورد بررسی تطبیقی سیمای زن در

ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، پژوهش مستقلی صورت نگرفته‌است و این نخستین پژوهش در این زمینه‌است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

به دلیل ارتباط دو زبان کردی و عربی در عصرهای پیشین، دیدگاه‌های مشترکی در مورد زن وجود دارد که در ضرب‌المثل‌های این دو زبان بازتاب یافته‌است. این دیدگاه‌ها، گاهی، مثبت و گاهی، منفی هستند که ریشه در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی دارد و مطالعه این ضرب‌المثل‌ها، ما را در شناخت زوایای پوشیده و پنهان دو فرهنگ ایرانی و اسلامی یاری می‌رساند و وجوه شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دو قوم کرد و عرب را بیان و اشتراکات و افتراقات میان آنها را بازگو می‌کند که این موضوع، در چارچوب‌های ادبیات تطبیقی انجام می‌گیرد.

۲- بحث

۲-۱- زن در فرهنگ ایرانی و عربی

دیدگاه‌های مثبت و منفی فراوانی در مورد جایگاه زن در فرهنگ عربی ذکر شده که ما در اینجا هر دو دیدگاه را بیان می‌کنیم تا دیدگاهی میانه و به دور از تعصب ارائه شود. در برخی منابع آمده‌است که زن عصر جاهلی، در انتخاب همسرش آزاد بوده‌است؛ مثلاً خنساء، ازدواج با درید بن الصمه را نپذیرفت. (اصفهان، بی‌تا: ۱۰ / ۲۲) همچنین، پدر برای ازدواج دخترش با او مشورت می‌کرد (زیدان، بی‌تا: ۱ / ۳۲) و گفته شده که موافقت دختر، واجب بوده، در صورتی که عاقل و بالغ بود (ابوحدید، ۱۹۷۹: ۶). ولی در برخی منابع آمده که دختران در انتخاب همسرانشان، نقشی نداشتند و رسم بر این بود که فقط والدین، در امر ازدواج دخترشان اظهار نظر کنند. (فتاحی زاده، ۱۳۹۰: ۶۹) در عصر اسلامی نیز زنان مسلمان، همچون زنان جاهلی، در بیشتر امور شرکت داشتند و در کنار مردان به مقابله با کفار می‌پرداختند و در آوردن آب و انتقال و درمان زخمی‌ها به مردان کمک می‌کردند. (سوید، ۱۹۹۰: ۳۳-۲۸)

در عصر جاهلی و صدر اسلام، زنان در فعالیتهای تجاری حضور گسترده‌ای داشته‌اند. بانو خدیجه، همسر گرامی پیامبر، یکی از تاجران بزرگ قریش و از اشراف آن بود. (طبری،

۲۰۰۵: ۱ / ۵۲۵) البته رسوم بسیار بد و غیر انسانی نیز در مورد زنان وجود داشته‌است؛ از جمله آنها، پدیده‌ی واد (زنده‌به‌گور کردن دختران) بوده‌است. گروهی معتقدند که این پدیده‌ی شوم، در همه‌ی قبایل رواج نداشته‌است و در قبیله‌ی بنی تمیم یا بعضی قبایل دیگر بوده‌است (الوسی، بی‌تا: ۳ / ۴۲) و گروهی نیز معتقدند که عرب جاهلی، زنان را با وجود نارضایتی‌شان، به ارث می‌برد و این یکی از نمونه‌های تحقیر زن در عصر جاهلیت است زیرا او در ردیف سایر کالاها و اموال میت محسوب می‌شد. (رشید رضا، بی‌تا: ۴ / ۴۵۳-۴۵۴) البته از اندیشمندان پیشین عرب نیز کسانی هستند که به رفتارهای نامناسب نسبت به زن اشاره کرده‌اند. جاحظ می‌گوید: من و هیچ خردمندی نمی‌گوید که زنان، یک درجه یا دو درجه یا بیشتر، نسبت به مردان، برتر یا پایین‌تر هستند اما امروزه، به مردانی برمی‌خوریم که بدترین نکوهش‌ها و نهایت تحقیر را درباره‌ی زنان انجام می‌دهند. (بی‌تا: ۹۹)

نظرات متفاوتی در مورد جایگاه زن در فرهنگ ایرانی وجود دارد که نظرات دو گروه زن‌ستا و زن‌ستیز را نقل خواهیم کرد. در طول تاریخ ایران، زنان به لحاظ منزلت فردی و اجتماعی، اوج و افول‌های متعددی داشتند اما همواره، حضور زنان در جامعه، تحسین‌برانگیز و همراه وقار بوده‌است. (بیانی، ۱۳۸۸: ۹) آثار بازمانده از دوران نوسنگی، نشان می‌دهد که ساکنین نجد ایران، احترام ویژه‌ای برای زن قائل بوده‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان آن دوره را عصر مادر سالاری یا مادر شاهی نامید که زنان، مدیریت قبیله را برعهده داشتند. (گیر شمن، ۱۳۸۴: ۱۱) در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده، در میان مردم رفت‌وآمد می‌کردند ولی پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً در میان طبقه‌ی ثروتمندان، تنزل پیدا کرد. (راوندی، ۱۳۸۴: ۱ / ۵۱۶) در متون پهلوی نیز درباره‌ی تحصیل زنان توصیه بسیار شده‌است (قلی زاده، ۱۳۸۸: ۲۴۸) ولی در زمان ساسانی، مقام زن تنزل می‌یابد. استرابون می‌گوید: زنان پارتی از مردان در حجاب بودند و در زندگانی خارج از منزل مردان دخالت نمی‌کردند. به‌طور کلی، مقام زنان نزد پارتی‌ها، پست‌تر از مقام آنان نزد مادها و پارس‌ها بوده‌است. (شکور، ۱۳۷۸: ۴۸) با وجود این، در تاریخ ایران، زنان بسیاری بوده‌اند که نفوذ و تأثیر زیادی در سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد داشته‌اند؛ از جمله،

استر، زن خشایار شاه، که ملکه ایران شد و به اندازه‌ای عزیز و محبوب شد که هر چه می‌خواست، خشایار شاه فوراً انجام می‌داد. (بهریزی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در ایران بعد از اسلام (طاهریان تا مغول)، زنان در خانه به کارهایی همچون ریسندگی اشتغال داشتند. (بیهقی، ۱۳۱۷: ۴۹) به‌رغم حملات کثیری که به ایران می‌شد و در پی آن، داشته‌های فرهنگی این سرزمین در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار می‌گرفت، اصل تکریم زن را همچنان باقی می‌گذاشتند. تکریم زن در جامعه ایران در عصر مغول، وجود داشت که ناشی از بقای سنت مادرشاهی و عدم وجود برده‌داری در میان مغولان بود. (ستاری، ۱۳۷۳: ۲۵۷) در مناطق کردنشین نیز زنان مشهوری وجود دارند که از مقام والایی برخوردار بوده‌اند؛ از جمله، «بانو مستوره اردلان» (۱۲۶۴-۱۲۲۰ ق)، از زنان ادیب قرن سیزده هجری که در سنج به دنیا آمد و صبغه‌ای از عرفان، در بیشتر اشعار وی به چشم می‌خورد (روحانی، ۱۳۶۴: ۳۶۸-۳۶۷).

در این جمع بندی می‌توان گفت که زن در طول تاریخ فرهنگ ایرانی و عربی، بسته به دوره زمانی، نوع حکومت، فرهنگ جامعه، شرایط سیاسی و اقتصادی و عقاید دینی، دچار فراز و نشیب فراوانی شده‌است و دیدگاه‌های متفاوتی، پیرامون او شکل گرفته و جنبش‌های زن‌ستا و زن‌ستیز بسیاری به وجود آمده‌اند. این دیدگاه‌ها، در ادبیات شفاهی و مکتوب ملت‌ها انعکاس وسیعی داشته‌است که ضرب‌المثل‌های کردی و عربی نیز از این قائله مستثنی نیستند و در آنها تمام ابعاد زندگی روحی و روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زن به دو شکل مثبت و منفی به تصویر کشیده شده‌است.

۲-۲- دیدگاه مثبت به زن

۲-۲-۱- مادر الگوی دختر

مادر، به‌عنوان الگوی اخلاقی دختر، نقش بسیار زیادی در شکل‌گیری رفتار اجتماعی او دارد؛ پس دختر، همانند مادرش است. بنابراین، در ضرب‌المثل‌های کردی، در امر ازدواج سفارش می‌شود که برای انتخاب همسر آینده، باید به رفتار مادر دختر توجه کرد:

دالک بوین و دویهت بخواز (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۹۹).

Daleg buin v doviat bexvaz

ترجمه: مادر را ببین و دختر را خواستگاری کن. (بخواز: خواستگاری بکن).
در ضرب‌المثل‌های کردی سورانی نیز این گونه نقل شده‌است:

دایکان ببینه و کچان بخوازه. (ن. ک: رش احمدی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

ترجمه: مادرها را ببین و دخترها را خواستگاری کن. (کچان: جمع کچ، دختران).
کهوش پیشت پا گری، دویهت فیل دا گری. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

Kavsh peishte pa gery, doviat feile da gery

ترجمه: کفش، پشت پا را می‌گیرد (زن با ناز و ادا راه می‌رود) و دختر، راه و رسم مادر را یاد می‌گیرد. (فیل: راه و رسم)

گور نه و گا مه‌که‌ی، دت نه و دا مه‌که‌ی. (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۳۷)

Gor aw ga makay, det aw da makai

ترجمه: گوساله شبیه گاو می‌شود، دختر نیز شبیه مادرش می‌شود. (گور: گوساله)
در ضرب‌المثل‌های عربی آمده که در امر ازدواج باید در رفتار مادر دختر دقت کرد:

اَقْلِبِ الْجُرَّةَ عَلٰی فَمِهَا بَتَطَّلِعُ الْبِنْتُ لِأُمِّهَا. (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۱)

تذجمه: کوزه را زیر و رو کن تا آنچه که در آن است، بیرون بیاید، همان گونه که دختر از مادرش متولد می‌شود و شبیه او است. پس، دختر شبیه مادرش است و اگر مادر اخلاق مدار باشد، دختر نیز همچون او، اخلاق‌مدار می‌شود:

بَزْرِ الْحُرَّةِ، دُرَّةٌ. (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۸۷) بذر زن آزاده و کامل، تبدیل به مروارید (دختر صالح) می‌شود.

۲-۲-۲- نقش مهم زن در ساختن جامعه

پدر، وظیفه تأمین معاش را در خارج از خانه بر عهده می‌گیرد و زن است که به امور خانه رسیدگی می‌کند:

پیایگ فاله‌سه و ژن به‌نا. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۷۶)

Peyag falasaw jen bana

ترجمه: مرد، کار می‌کند و زن، سازنده و بناست.

در ضرب‌المثل‌های کردی سورانی نیز به همین شکل نقل شده‌است: «**پیایو فه‌علایه و ژن به‌نایه**» (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶)؛ مرد، کار می‌کند و زن، سازنده و بناست.

زن، نظم خانه و بهداشت آن را به خوبی اعمال می کند و آسایش اعضای خانواده را فراهم می سازد:

مال بی کینو، زر و زیولش مای تا ژیر زینو. (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۴۱)

Mal bei keino, zer v zeivelesh mai ta jeire zeyno

ترجمه: خانه بدون زن (کدبانو)، زیاله هایش تا زیر زانو بالا می آید. (مال: خانه)

در ضرب المثل های عربی، به نقش بی بدیل زن در نظم و آرامش خانواده اشاره شده است: **الرَّجُلُ جَنِّيٌّ وَالْمَرْأَةُ بَنِيٌّ** (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۵)؛ مرد می چیند و زن می سازد. **أُمٌّ قَرَشَتْ فَأَنَامَتْ** (میدانی، بی تا: ۲۲/۱)؛ مادری که رخت خواب را برای فرزندانش پهن کرد و آنها را خواباند. **فِي النَّهَارِ بَتَسْكُرٍ بَيْتَهَا وَ فِي اللَّيْلِ بَتَحْرَقُ زَيْتَهَا** (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۵)؛ در روز، خانه اش را تمیز می کند و در شب، روغنش را می سوزاند؛ یعنی شب و روز، به امور خانه رسیدگی می کند. **الْبَيْتُ مَعْمُورٌ وَ صَاحِبَتُهُ فِي الدَّوْرِ** (همان: ۱۵)؛ خانه، آباد است و صاحبش در آن است؛ یعنی، زن عامل آبادانی و نظم خانه است و امام علی (ع)، در مورد ارزش خانه داری زن و رسیدگی به امور همسر و خانواده می فرماید: **حُسْنُ التَّبَعْلِ جِهَادُ الْمَرْأَةِ** (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۱۱۱)؛ همسر داری به وجه نیک، جهاد زن است.

۲-۲-۳- زن و مرد، مکمل هم

در ضرب المثل های کردی، تأکید زیادی بر احترام متقابل زن و مرد شده است و زن و مرد، مکمل هم معرفی شده اند:

خان له خانمه و خانم له خانه. (جمالی، ۱۳۸۹: ۵۳)

Xan la xanema v xanem la xana

ترجمه: اعتبار و احترام خان (مرد)، به واسطه زن اوست و اعتبار زن نیز به واسطه مرد است؛ یعنی، زن نمونه و با اخلاق، باعث اعتبار یافتن مرد در جامعه می شود

در ضرب المثل های عربی نیز به مکمل بودن زن و مرد اشاره شده است: **وَرَأَى كُلَّ رَجُلٍ عَظِيمٍ إِمْرَأَةً** (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۲)؛ پشت هر مرد بزرگ و موفقی، زنی است.

المرأة المليحة بتع مل من الهملا زامة (همان: ۱۲)؛ زن خوب، مرد تنبل را مرد زندگی می‌کند.

در قرآن کریم آمده که زن و مرد مایه آرامش و پوششی برای هم هستند: هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ (بقره/ ۱۸۷)؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما (مردان) برای آنان لباسی هستید. جوادی آملی می‌گوید: «در کسب کمال‌های حقیقی و اعمال صالح، نه مذکر بودن شرط و نه مؤنث بودن، مانع است. معیار برتری، کرامت انسانی و تعالی روحی است. عبارت «همه از یکدیگرید» که در آیه اَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ (آل عمران ۱۹۵) آمده، به این معناست که مرد و زن، بدون هم یافت نمی‌شوند زیرا از جنس یکدیگرند و فرقی با هم ندارند. (۱۳۸۸: ۷۲۶-۷۱۵)

۲-۲-۴- علاقه دختر به ازدواج و شوهر

با توجه به شرایط فرهنگی جامعه و متغیر بودن سن بلوغ جنسی و عقلی در دختران، یکی از مهم‌ترین مسائل برای آنها ازدواج است که به نوعی، خواستنی و هدف مطلوب آنهاست. در ضرب‌المثل‌های کردی به این مسئله اشاره شده است:

ئاگر خاسه و تهپ و دوی، برا خاسه نه چه نه شوی. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۵۱)

Ager xasa v tap v dooy, bera xasa na chena shoy

ترجمه: آتش با دود و دمش، بارزش است و برادر نیز خوب و عزیز است ولی مثل شوهر نیست. (ئاگر: آتش، خاس: خوب)

به همین خاطر، خانواده دختر، به هنگام خواستگاری بسیار آشفته و به نوعی، برای خوشبختی دختر و فراهم شدن شرایط ازدواج او شاد هستند:

دهنگ دوو نهوی ده باوان، رم کوتوی ده خه سویران. (همان: ۱۰۷)

Dang doo naowi da bawan, remekwetu da xasuiran

ترجمه: در خانه پسر (داماد)، همه چیز آرام است ولی در خانه عروس، همه در تلاش و تکاپو هستند و خانه پر از سروصداست. (دهنگ: صدا، باوان: خاندا، رم و کوت: سر و صدا، خه سویران: خانواده زن)

همان‌طور که گفتیم، ازدواج برای دختران امری خواستنی است؛ پس، گاهی پیش می‌آید که به‌طور تصادفی، برای انجام کار دیگری اقدام می‌کند ولی شرایط به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که او ازدواج می‌کند:

چی ناگر باری، شوی کرد (رضایی و کریمی، ۱۳۸۵: ۳۲).

Chei ager barei, shoi kerd ترجمه: رفت آتش بیاورد، ازدواج کرد.

در ضرب‌المثل‌های عربی، به علاقه دختران به ازدواج اشاره شده است: **رَوْحٌ مِنْ عُوْدٍ، خَيْرٌ مِنْ فَعُوْدٍ** (میدانی، بی تا: ۱ / ۳۲۰). شوهری از جنس چوب، بهتر است از ماندن در خانه پدری؛ یعنی اگر شوهر از لحاظ مقام اجتماعی در سطح بالایی نباشد و فقیر و تهیدست باشد و زیبا نباشد، باز از ماندن در خانه پدری و مجردماندن، بسیار بهتر است، چرا که به‌نوعی استقلال دست می‌یابد و زندگی تشکیل می‌دهد و از بلا تکلیفی خارج می‌شود.

۲-۲-۵- جایگاه و نقش زن به‌عنوان همسر

در ضرب‌المثل‌های کردی، آمده که مرد ناگزیر از ازدواج با زن است. به ظاهر، این امر سلبی و منفی است ولی در باطن، ازدواج و ناگزیربودن از دختر، موجب سرو سامان گرفتن مرد و جهت‌دار شدن زندگی او می‌شود و برای مردان بسیار مثبت است. در واقع، مردان با گفتن این ضرب‌المثل، به‌صورت ضمنی و تلویحی، به نقش مؤثر و مثبت زن در تکمیل خانواده و پویایی زندگی اعتراف می‌کنند، هرچند که در ظاهر، خود را ناگزیر از ازدواج با زن می‌دانند، با دقت در کاربرد این مثل در میان مردم و بویژه در زمان خواستگاری و ازدواج، متوجه می‌شویم که بار معنایی مثبت این مثل، از بار معنایی منفی آن بی‌شتر است:

ژن به لاس خودا به که ی هویچ مالی بی به لانه وگ. (جمالپور، ۱۳۸۹: ۳۷)

Jen Balas Xoda BekAi Huich Malei Bei Bala Nawg

ترجمه: زن بلاست، خدا کند هیچ خانه‌ای بی بلا نباشد. (مال: خانه)

امام علی (ع) نیز با تیزهوشی و به‌نوعی، با شیرین‌زبانی بلاغی، مرد را ناگزیر از ازدواج با زن می‌داند. در ظاهر، این جمله در مورد زنان، منفی است ولی در واقع، بر ضرورت ازدواج تأکید کرده است. ایشان می‌فرمایند: **اَلْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا، وَ شَرُّ مَا فِيهَا اَنَّهُ لَا بَدَّ مِنْهَا!**

(نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۴۸۴)؛ زن، همه‌اش دردسر است و زحمت، بدتر اینکه چاره‌ای جز بودن با او نیست.

در برخی از ضرب‌المثل‌های کردی، به ازدواج بسیار سفارش شده و زن را تکمیل‌کننده زندگی دانسته و به سرعت در اقدام به این کار، حتی در صورت قرض کردن تشویق شده‌است: **قهرت بکه ژن بخواز قهرته‌گه ده‌یته‌و، ژن وه جاس.** (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۶) و (رضایی و کریمی، ۱۳۸۵: ۶۱).

Qart beka jen bexvaz qartagad daitaw, jen va jas

ترجمه: قرض بکن و زن بگیر، قرضت را برمی‌گردانی ولی زن باقی است. (قهرت: قرض)
در ضرب‌المثل‌های عربی، بر ازدواج سریع تأکید شده‌است زیرا دختران، خواستگاران زیادی دارند و باید زود وارد عمل شد: **لَا تَدَعَنَّ فِتَاءَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ بُغَاةٍ** (میدانی، بی تا: ۲/ ۲۳۴)؛ دختران جوان را رها نکنید زیرا برای آنها خواستگاران است.
یکی از نعمت‌هایی که به مرد داده می‌شود، همسر خوب است؛ پس، زنی که از لحاظ اخلاقی مناسب باشد، بسیار نزد همسرش محبوب است. در ضرب‌المثل‌های کردی، به این موضوع اشاره شده‌است:

به‌رگم پلاس بوو، هه‌ر هامسرم خاس بوو. (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۲۱)

ترجمه: لباس کهنه و بی‌ارزش باشد، باکی نیست، فقط همسر خوب باشد. (به‌رگ: لباس)
در ضرب‌المثل‌های عربی نیز به ارزش داشتن همسر خوب اشاره شده‌است: **أَخْذُ الْأَصِيلَةِ وَ الْكُعْدُ عَلَى حَصِيرَةٍ** (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۲۵)؛ با زن اصیل و خوب ازدواج کن و بر روی حصیر بنشین. (یعنی، اگر با دختر خوب ازدواج کنی، همه چیز برای فراهم و آماده است)

امام صادق در مورد ارزش همسر خوب می‌فرماید: **ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ: ... وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ** (حر عاملی، بی تا: ۲۴/۱۴)؛ در سه چیز برای مؤمن آرامش است: ... و زن نیک‌رفتار و کردار که او را در کار دنیا و آخرت یاری رساند.

۲-۳- دیدگاه منفی نسبت به زن

۲-۳-۱- مشورت با زن و عمل به سخنش

در ضرب‌المثل‌های کردی، به مشورت‌نکردن و ندادن صلاحیت امور به زن، سفارش شده است؛ البته در اینجا، به معنای این نیست که نباید در هیچ امری با او مشورت کرد بلکه در اموری که فراخور او و مرتبط با او نیست، نباید مشورت کرد:

سه‌لا به یه ده‌س ژن، ده سیه چله‌ی زمسان چیه‌رگ که‌ی. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

Sala baia dase jen, da seya chelai zemsan chyareg kai

ترجمه: اگر زمام امور را به دست زن بسپاری و با او مشورت کنی، پشم گو سفندان را در اوج سرمای زمستان می‌چنید (چیدن پشم گو سفندان در بهار انجام می‌گیرد). (سیه چله‌ی زمسان: به برهه‌ی زمانی در فصل زمستان گفته می‌شود که سرما به اوج خود می‌رسد، چیه‌رگ: ابزار پشم چینی که شبیه قیچی است.)

در ضرب‌المثل‌های عربی نیز به مشورت‌نکردن با زنان و ندادن زمام امور به آنها توصیه شده است: **مَا أَمْرُ الْعَذْرَاءِ فِي نَوَى الْقَوْمِ؟** (میدانی، بی تا: ۲ / ۲۷۳)؛ **دوشیزگان را چه به دخالت و نظردادن در امور قوم؟! أَخْلِفُ بِقَوْمٍ سَادَهُمْ حِقَابٌ.** (همان، ۱ / ۲۴۷)؛ کار و امور قومی که یک زن سرور و چاره‌اندیششان باشد، فساد و تباهی است. **مَا بِشَاوِرِ الْمِرَّةِ إِلَّا مَرَّةٌ** (محمد نجم و همکاران، ۱۳: ۱۴۲۷)؛ با زن، تنها یک‌بار مشورت کن. **شُورُوهِنَّ وَ خَالْفُوهِنَّ** (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۲۱۶)؛ با زنان مشورت کنید ولی با نظرشان مخالفت کنید.

در ایران باستان، به مشورت‌نکردن با زن سفارش شده است: یک‌بار موبدان بر کسری وارد شد و گفت: تو با نیک‌بختی زیستی و با دشمنانت پیروز شدی و به خیر و برکت، دست یافتی و از اطاعت زنان دوری گزیدی. این سخن، شیرین (ملکه) را خشمگین کرد. (جاحظ، ۱۴۲۳: ۲۳۴) پیامبر (ص)، به درست‌بودن انجام برخی امور اشاره کرده است؛ از جمله، جایز بودن مشورت با زن فاضل و دانا. (مقریزی، ۱۴۲۰: ۹ / ۶) حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده که می‌فرماید: با زنان در امور خودشان مشورت کنید. (حنبل، بی تا: ۹۷) امام علی (ع) می‌فرماید: **وَ إِيَّاكَ وَ هُ شَاوِرَةَ النَّسَاءِ؛ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ.** (نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۳۸۲) و

در جای دیگر، ایشان به مشورت با زنان، با شرط سفارش می‌کند: از مشورت با زنان پرهیز کنید، مگر زنی که کمال عقل او را سنجیده‌ای. (کراچکی، ۱۴۱۰: ۳۷۶) این سخنان حضرت علی (ع)، مربوط به شرایط خاصی همچون جنگ و جهاد است که احتمال دارد مشورت مرد با زن و اطاعت از او، باعث جلوگیری مرد از رفتن به میدان نبرد شود.

۲-۳-۲. در حجاب ماندن زن و بیرون رفتن از خانه

در فرهنگ کردی، بیرون ماندن بیش از حد زن در خارج از خانه، وجهه چندان خوبی ندارد. علت آن، این است که زن در جامعه، نماد حیا و عفت است. البته در فرهنگ کردی، در مورد بیرون رفتن زن و حجاب، زیاد سخت‌گیری نمی‌شود و به اعتدال در آن سفارش می‌شود ولی در برخی ضرب‌المثل‌ها، به زشتی بیرون بودن بیش از حد زن اشاره شده است:

وه ویله‌ی دیرم وه شهرت حه یای، شه‌وه کی مه چوو، ئیواره مه یای.

(سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

Vaovilai deyrem va sharte haya, shavakei macho, eyvara mayai

ترجمه: عروسی بسیار با شرم و حیا دارم، صبح زود بیرون می‌رود و عصر برمی‌گردد. (وه‌ویله یا وه‌وی: عروس، شه‌وه‌کی: صبح، ئیواره: عصر) این مثل را بیشتر در تعریض به عروسان و افراد نافرمان و نامنظم می‌گویند و یادآور سخنان پرکنایه و روابط پرتنش میان مادر شوهر و عروس است.

در برخی ضرب‌المثل‌ها آمده که بیرون ماندن زن در بیرون از خانه، باعث می‌شود که دیدگاه مثبتی در مورد زن شکل نگیرد، چرا که زن، مهم‌ترین الگو در تربیت فرزندان و رعایت اصول اخلاقی در خانواده به حساب می‌آید:

دالگم، دالگت ده سهر بازاره‌یل دییه. (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

Dalegem, daleget da sar bazarail deya

ترجمه: مادرم، مادرت را در بازار دیده‌است. (دالگ: مادر)

در ضرب‌المثل‌های عربی نیز بیرون ماندن زن در خارج از خانه، نکوهش شده است:

بأبویجها عالتبّه وایزارها عالتصبّه (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۸۲)؛ زنی که کفش‌هایش

در ورودی خانه است و عبایش بر چوب رختی آویزان است. (یعنی، همیشه برای بیرون رفتن آماده است.) این ضرب‌المثل در مناطق جنوبی عراق بیشتر کاربرد دارد. در ضرب‌المثل‌های کردی، برادر نماد غیرت و تعصب است و یکی از نشانه‌های سالم بودن دختر از لحاظ عُرف اجتماعی، تعصبی بودن برادر او و کمتر ظاهر شدن دختر در بیرون از خانه است:

پارچه بنوره کناری، دت بنوره براری. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۷۳).

Parcha benora kenarei, det benora berarey.

ترجمه: پارچه، به حاشیه و کنارش نگاه کن و دختر، به برادرش (غیرت) نگاه کن. (بنور: نگاه کن)

در ضرب‌المثل‌های اردنی نیز بر بیرون نیامدن دختر از خانه تأکید شده است: **الْبِنْتُ وَرَاءَ الْبَابِ وَالْوَلَدُ يَبْغِدَادَ** (سویلیم شرفات، ۲۰۱۱: ۳۸)؛ دختر پشت در خانه (محبوس) است و پسر در بغداد آزاد است. در ضرب‌المثل‌های عربی، این تعصب روی زن، افراطی‌تر است: **الْبِنْتُ إِمَّا تَسْتُرُهَا وَإِمَّا تَقْبِرُهَا** (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۳)؛ دختر یا باید در خفا باشد و یا او را باید در قبر بگذاری.

در حجاب ماندن و بیرون رفتن زنان، امری تازه نیست و در دوره‌های مختلف با شدت و ضعف وجود داشته است. در زمان ساسانیان، زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. (راوندی، ۱۳۸۴، ۱: ۵۱۶) در ایران بعد از اسلام (طاهریان تا مغول)، خروج زنان از خانه، بدون اذن شوهر ممکن نبود و در صورت خروج از خانه، باید با نقاب ظاهری می‌شدند. (مندور، ۱۳۶۰: ۸۹) البته در فرهنگ کردی، بیشتر بر حجاب معتدل زن تأکید و از افراط در آن بر حذر شده‌اند و به حجایی که اصول دین بدان اشاره کرده، توصیه شده است. در عصر صفوی و قاجار، براساس آنچه در سفرنامه‌ها آمده است، استفاده از روبنده در میان زنان کرد معمول نبوده است و آنها، صورت خود را نمی‌پوشاندند. (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۲۳-۱۲۴) در بیشتر کشورهای عربی نیز در عصر حاضر، زن کمتر در جامعه حضور می‌یابد و بیشتر در خانه می‌ماند و به امور خانگی رسیدگی می‌کند.

۲-۳-۳- برتری وجودی مرد بر زن

در فرهنگ کردی، فرزند پسر از محبوبیت بیشتری برخوردار است و مردان و حتی زنان، بیشتر علاقه دارند که صاحب فرزند پسر شوند:

سان بان سان، مامر خا مه که ی، ژن کور ماری. (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۳۱).

San bane san mamer xa makay, jen kor marey.

ترجمه: سنگ، روی سنگ و مرغ، پشت سر هم تخم می‌گذارد و زن پسر به دنیا می‌آورد.
(سان: سنگ، مامر: مرغ، خا: تخم، کور: پسر)

به دنیا آمدن پیاپی پسر، اشاره به همان دیدگاه مردسالاری دارد که اگر کسی تعداد فرزندان پسرش بیشتر باشد، از ابهت بیشتری برخوردار است و اعتماد به نفس بیشتری دارد. فرزند پسر، نماد اقتدار و ابهت خانواده به‌شمار می‌آید و آن را به طبل تشبیه می‌کنند:

کور دهله. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴۴)

Kor dehela
ترجمه: پسر، همچون طبل پر سرو صداست.
این مسئله حتی در میان زنان نیز رایج است و برخی از آنها بر این باورند که حسادت دیگران است که باعث می‌شود تا صاحب پسر نشوند:

کی خوه‌شی نیه‌تیه‌ی سوسن کور باری؟ (همان: ۱۴۵)

Key xowashi niyatiay sosan kor barei

ترجمه: چه کسی خوشش نمی‌آید که سوسن پسر به دنیا بیاورد؟ (یعنی، کسی حسادت می‌کند که فلان شخص، صاحب پسر شود). در برخی ضرب‌المثل‌های کردی، با به‌کارگیری تمثیل، حس مذکرگرایی برجسته‌تر می‌شود و مرد بودن بر زن بودن ترجیح داده می‌شود:

یه‌ی روژ که له‌شیر بوین، هزار روژ مامری تیه‌رزی. (رضایی و کریمی، ۱۳۸۵: ۱۲۰)

Yai roj kalasheir bouin, hezar roj mamery tyarzei

ترجمه: یک روز خروس بودن (مرد بودن)، از هزار روز مرغ بودن (زن بودن) ارزشمندتر است.
این دیدگاه نسبت به دختر، تا جایی پیش می‌رود که به شخصی که تنها صاحب دختری می‌شود، مقطوع‌النسل و اجاق کور گفته می‌شود:

وجاخ کوور و ته ژگای سییه. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۴)

Vejaxe koor v tajgai seya

ترجمه: اجاق خاموش و آتشدان تاریک. اجاق کور، به کسی گفته می‌شود که پسر ندارد. در ضرب‌المثل‌های کردی، مرد سالاری بازتاب زیادی دارد و ریا ست خانواده، پس از پدر، به مادر واگذار نمی‌شود بلکه آن را به پسر می‌سپارند: **کەس کلاو باوگ، ئەو سەر دالگ نیه‌نە‌ی.** (همان: ۱۴۰).

Kas kelawe bawg, aw sare daleg nianai

ترجمه: کسی کلاه پدر را بر روی سر مادر نمی‌گذارد. در ضرب‌المثل‌های حوزه خلیج فارس نیز دیدگاهی منفی نسبت به دختر وجود دارد و او را نحس و مقامش را فروتر می‌بینند: **صوت حیه و لا صوت بنیه و بیت البنات خراب** (النعیمی، ۲۰۰۷: ۶۸)؛ صدای مار باشد نه صدای دختر؛ خانه‌ای که دختر در آن باشد، ویران است. **البنیت غم، و لو مَریم** (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۳۹۲)؛ دختر مایه اندوه است، اگرچه حضرت مریم باشد. در ضرب‌المثل‌های عربی، فرزند پسر را حتی اگر در بدو تولد بمیرد، بر دختر برتری می‌دهند: **وَلَدٌ وَ بِ شَارْتُهُ وَ لَوْ يَمُوتُ بِ سَاعَتِهِ** (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۲)؛ مژده فرزند پسر، بسیار شادی آور است، حتی اگر در بدو تولد بمیرد. **عُلامٌ اَنَسَدَ ظَهْرِي وَ قَامَ** (همان: ۱۲)؛ پسر، پشتم به او محکم شد و ایستاد.

در ضرب‌المثل‌های عربی، متأسفانه در مورد دختر راه افراط در پیش گرفته شده و او را مصیبت و حتی لکه ننگی دانسته‌اند که با فرستادن او به خانه شوهر، این لکه پاک می‌شود و برخی، دختر را شایسته مردن دانسته‌اند: **بُنِيَةٌ وَقَعَتِ الْحَيْطَةَ عَلَيَّ** (همان: ۱۲)؛ دختردار شدم و دیوار خانه بر من افتاد. **زَوْجٍ بِنْتِكَ، وَ طَلَعِ عَارِكٍ مِّنْ بَيْتِكَ** (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۱۹۷)؛ دختری را زود شوهر ده و عار و ننگ را از خانه‌ات بیرون کن. **الْبَنَاتُ لِلْمَمَاتِ** (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۳)؛ دختران، تنها شایسته مرگ هستند.

این مسئله در همه ادیان و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها وجود داشته و از شدت و ضعف برخوردار بوده است؛ مثلاً افلاطون، با وجود آنکه از برابری زن و مرد در همه موقعیت‌ها پشتیبانی می‌کرد، خدا را شکر می‌کرد که مرد آفریده شده است. (گری، بی تا: ۴۷) در

فرهنگ ایران باستان نیز عقاید مشابه وجود دارد. در پندهای انوشروان آمده‌است: بر مرگ دختران، غم مخور. (نفیسی، ۱۳۱۰: ۶۲۴) و (مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

۲-۳-۴- دختر و زن، عامل انحراف مرد

در میان عامه، این اعتقاد وجود دارد که جنس مؤنث، باعث تحریک جنس مذکر می‌شود و او را به سوی گناه و ناهنجاری سوق می‌دهد. این دیدگاه، در برخی از ضرب‌المثل‌های کردی نمود می‌یابد:

تا دویت نه‌که‌ی هیکه‌هاک، کور نیکه‌ی فیکه‌فاک. (سهراب نژاد، ۱۳۹۲: ۷۷)

Ta doviat nakay heyke hak, kor neyakay feyke fak

ترجمه: تا دختر با صدای بلند نخندد (و پسر را تحریک نکند)، پسر جواب خنده او را نمی‌دهد (تحریک نمی‌شود).

در ضرب‌المثل‌های عربی نیز زن عامل انحراف مرد معرفی شده‌است: **النساء حَبَائِلُ الشَّيْطَانِ** (میدانی، بی تا: ۲ / ۳۴۰)؛ زنان، ریسمان‌های شیطان هستند. گروهی این جمله را نقل کرده‌اند و آن را حدیثی از پیامبر می‌دانند (نیشابوری ۱۴۱۶، ۴ / ۸۱) ولی بسیاری، در صحت انتساب این حدیث به پیامبر شک دارند. این فکر که زن، عامل گمراهی مرد است، ریشه در تاریخ طولانی بشر دارد و در بیشتر ادیان و فرهنگ‌ها وجود داشته‌است؛ در تورات، روشن کردن شمع‌های شب‌ات را مجازات تشریحی خداوند معرفی می‌کنند. علت این امر، آن است که حوا، آدم را وادار کرد که از میوه ممنوعه بخورد و از امر خدا سرپیچی کند؛ پس، زن با گناه نخستین، چراغ زندگی بشر را خاموش کرد و با روشن کردن شمع شب‌ات، تا حدودی این خطا را جبران می‌کند. (کوهن، ۱۳۵۰: ۱۳۱)

با وجود این همه شبهات و دیدگاه‌های منفی در مورد اغواگری زن، باید اذعان داشت که اعتقاد دینی زن، قوی‌تر است و موارد ارتداد و بی‌دینی زنان از مردان بسیار کمتر است؛ پس، نمی‌توانند تنها عامل انحراف مردان باشند. گرایش قلبی به دین، در میان زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌شود و زن مسائل روحی و معنوی را با روان خود سازگارتر می‌یابد. (سکلتن و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۴۳)

حضرت علی (ع) عشق زن را فتنه آمیز و وسوسه گرمی داند: **الْفِتْنُ ثَلَاثٌ: ... وَ حُبُّ النِّسَاءِ؛ وَ هُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ** (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۷ / ۴۹)؛ فتنه‌ها سه تا هستند: ... و عشق زنان که شمشیر شیطان است. در فرهنگ ایران باستان نیز پندها و حکمت‌هایی نقل شده که زن را مکار و منحرف کننده می‌داند؛ البته، منظور شان فقط زنان مکار و مداخله‌گر بوده‌است. در پندهای انوشیروان آمده‌است: از مکر و حیلت زنان ایمن مباشید. (نفیس، ۱۳۱۰: ۶۲۴) و (مستوفی، ۱۳۸۷: ۱۱۸) در قرآن کریم نیز آمده: **إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ** (یوسف / ۲۸)؛ مکر شما (زنان)، بسیار خطرناک است.

۲-۳-۵- دید منفی نسبت به مادر شوهر

در ضرب‌المثل‌های عامیانه، تصویر زن، به‌عنوان مادر، بهترین حالت برای اوست ولی فرهنگ جامعه، ارزش و احترام را از مادر نفی می‌کند، وقتی که او مادر شوهر می‌شود. مادر شوهر، صفتی منفی و تحکم‌آمیز برای زن در محیط خانه‌است. (شریم، ۲۰۰۷: ۶۱) در برخی ضرب‌المثل‌های کردی، مادر شوهر، شخصیتی سلطه‌گر و بداخلاق معرفی شده‌است که همیشه تلاش می‌کند به عروس کنایه بزند:

خه‌سویره ناگره سویره. (جمالپور، ۱۳۸۹: ۲۵).

ترجمه: مادر شوهر، همچون آتش برافروخته است؛ یعنی همیشه در انتظار کشمکش با عروس‌است.

عروس، از بد رفتاری مادر شوهر شکایت می‌کند و می‌گوید که تو هم روزی عروس بوده‌ای:

ئه‌ی هه‌سویره مهر وژت روژی وهوی نه‌وینه. (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

ترجمه: ای مادر شوهر، مگر خودت هم روزی عروس نبوده‌ای؟

در برخی ضرب‌المثل‌های کردی، بر خلاف تصورات عامه، مادر شوهر وجهه مثبتی دارد و ویژگی مثبت امانت‌داری و مراقبت را مختص او می‌دانند:

خه‌سویره، کلیل ده‌رانه. (رضایی و کریمی، ۱۳۸۵: ۳۸)

ترجمه: مادر شوهر، کلید در خانه است.

در ضرب‌المثل‌های عربی، جدال میان عروس و مادر شوهر نیز بازتاب گسترده‌ای دارد:

لو الخالة (أم الزوج) حبت الكنة (زوجة الابن) لدخل ابليس الجنة (السبتی،

۲۰۰۹: ۶۷)؛ اگر مادر شوهر، عروس را دو ست داشته باشد، حتماً شیطان نیز وارد بهشت می‌شود. در ضرب‌المثل‌های کویتی، مادر شوهر و عروس، بر سر ریاست خانه و گرفتن زمام امور با هم کشمکش دارند: نواخذة (هو نوحدة و هو قائد السفينة) اثنين طبعوا (غرقوا) سفينة (منتصر، ۲۰۱۱: ۴۲)؛ دو ناخدا در یک کشتی (با هم نمی‌سازند) و کشتی را غرق می‌کنند. إِنَّ الْحَمَامَةَ أُولِعَتْ بِالْكَنْهَةِ... وَأُولِعَتْ كَنْتَهَا بِالظَّنِّهِ (میدانی، بی تا: ۱ / ۱)؛ مادر شوهر، عروسش را دوست داشت ولی عروس (به خاطر باورهای پیشین)، او را به بدذاتی متهم می‌کرد و در ضرب‌المثلی آمده‌است که مادری، به دخترش سفارش می‌کند که هیچ چیزی به مادر شوهرش ندهد: لَا تُهْدِي إِلَى حَمَاتِكَ الْكَتِفَ (همان: ۲ / ۲۴۴)؛ گوشت کتف (شتر) را به مادر شوهرت هدیه نکن.

۳- نتیجه‌گیری

زن در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، بازتاب گسترده‌ای داشته‌است. برخی از این ضرب‌المثل‌ها، به ستایش زن و نقش او در نظم و آسایش خانواده و جامعه پرداخته‌اند و تصویری زیبا و شایسته او ارائه داده‌اند اما در برخی از این ضرب‌المثل‌ها، جایگاه واقعی او نادیده گرفته شده و صفات نه چندان مناسبی به او داده‌اند و در برخی از آنها، در منفی نشان دادن تصویر زن، زیاده‌روی و بزرگنمایی شده‌است. ریشه بسیاری از این دیدگاه‌های منفی در مورد زن، در تاریخ بشر است و عوامل مهمی، از جمله نوع حکومت و میزان استبداد و خودکامگی رؤسا، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و عقاید دینی و مذهبی، در شدت و ضعف چنین دیدگاه‌هایی مؤثر هستند. با وجود این، زن نقش سازنده‌ای در جامعه دارد و یکی از دو رکن اصلی زندگی به حساب آمده‌است و این مسئله، به خوبی در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی به تصویر کشیده شده‌است.

فهرست منابع

- کتابها

۱- قرآن کریم

- ۲- **نهج البلاغه**. (۱۳۸۸) ترجمه محمد دشتی. قم: بقیة الله.
- ۳- ابن شعبه، ابو محمد الحسن بن علی. (۱۴۰۴). **تحف العقول عن آل الرسول**. تحقیق: علی اکبر الغفاری. الطبعة الثانية. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۴- ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۰). **مختصر تاریخ دمشق**، ج ۲۹. دمشق: دار الفکر.
- ۵- أبو حدید، م. ف. (۱۹۷۰). **أبوالفوارس عنتره بن شداد**. القاهرة.
- ۶- احمد بن حنبل. (بی تا) **المسند**، ج ۶. بیروت: دار صادر.
- ۷- الأصبهانی، أبو الفرج. (بی تا). **الأغانی**، ج ۲۳. مصر: دار الکتب المصریة
- ۸- الالوسی، محمود شکرى. (بی تا). **بلوغ الأرب فی معرفة أحوال العرب**. بیروت: دارالشرق العربی.
- ۹- بهروزی، محمد جواد. (۱۳۸۵). **سرگذشت دوازده تن از زنان مؤثر در تاریخ ایران**. چاپ دوم. تهران: واژه آرا.
- ۱۰- بیانی، شیرین. (۱۳۸۸). **زن در ایران عصر مغول**. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- بیهقی، ابوالحسن. (۱۳۱۷). **تاریخ بیهق**. تصحیح: احمد بهمنیار. تهران: بنیاد دانش.
- ۱۲- الجاحظ، عمرو بن بحر أبو عثمان. (بی تا). **الرسائل الکلامیة**. قاهره: مکتبه الهلال.
- ۱۳- جرجی زیدان. (بی تا) **تاریخ آداب اللغة العربیة**، ج ۲. مصر: دار الهلال.
- ۱۴- _____ (۱۴۲۳). **المحاسن والأضداد**. بیروت: دار ومکتبه الهلال.
- ۱۵- جمال پور، کامبیز. (۱۳۸۹). **پیامی پیشینیان، ضرب المثل های کردی کرمانشاهی**. چاپ دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی- هنری کوثر.
- ۱۶- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). **تسنیم**. قم: اسراء.
- ۱۷- الحاکم النیسابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱). **مستدرک الوسائل**. تحقیق: عبدالقادر عطا. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۱۸- الحر العاملی، محمد بن الحسن. (بی تا). **وسائل الشیعه**، ج ۲۰. تهران: المکتبه الاسلامیة.

- ۱۹- الحنفی البغدادی، جلال. (۱۴۳۲). **الأمثال البغدادیة**. تقديم: محمد رضا الشیبی. بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- ۲۰- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). **فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی**، ج ۲. تهران: معین.
- ۲۱- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۴). **تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ کهن‌ترین ملل باستانی از آغاز تا اسلام**، ج ۲. تهران: نگاه.
- ۲۲- رحیمی عثمانوندی، رستم. (۱۳۷۹). **بومیان دره مهرگان: تحقیقی پیرامون قوم «لک» بومیان دره مهرگان کده (سیمره) از عصر حجر تا کنون**. کرمانشاه: ماهی‌دشت.
- ۲۳- رشید رضا، محمد. (بی‌تا). **تفسیر المنار**. بیروت: دار المعرفة.
- ۲۴- رضایی کلهر، اکبر و کریمی، نورالله. (۱۳۸۵). **یک‌هزار ضرب‌المثل کردی**، ج ۱. کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- ۲۵- روحانی، بابامردوخ. (۱۳۶۴). **تاریخ مشاهیر کرد**، ج ۲. تهران: سروش.
- ۲۶- السبیتی، محمد صالح. (۲۰۰۹). **ألف مثل من عیون الأمثال**. الكويت: دار السلاسل.
- ۲۷- ستاری، جلال. (۱۳۷۳). **سیمای زن در فرهنگ ایران**. تهران: مرکز.
- ۲۸- سکلتون و همکاران. (۱۳۷۶). **تفاوت‌های فردی**. ترجمه یوسف کریمی و همکاران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۹- سوید، ا. (۱۹۹۰). **نساء شهیرات من تاریخنا**. بیروت.
- ۳۰- الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن. (۱۴۱۴). **مکارم الاخلاق**. تحقیق: علاء آل جعفر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳۱- الطبری، محمد بن جریر. (۲۰۰۵). **تاریخ الأمم و الملوک**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۳۲- قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۸۸). **فرهنگ اساطیر ایرانی، بر پایه متون پهلوی**. چاپ دوم. تهران: شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- ۳۳- کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰). **کنز الفوائد**، ج ۲. قم: دارالذخائر.
- ۳۴- کوهن، آبراهام. (۱۳۵۰). **گنجینه‌ای از تلمود**. ترجمه امیر فریدون گرگانی. به اهتمام امیر حسین حیدری‌پور. تهران: چاپخانه زیبا.
- ۳۵- گری، بنوات. (بی‌تا). **زنان از دید مردان**. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: جامی.

٣٦- گيرشمن، رومن. (١٣٨٤). **ايران از آغاز تا اسلام**. ترجمه محمد معين. چاپ شانزدهم. تهران: علمي و فرهنگي.

٣٧- مستوفي، حمدالله. (١٣٨٧). **تاريخ گزيده**. به اهتمام عبدالحسين نوايي. چاپ پنجم. تهران: امير كبير.

٣٨- مشكور، محمدجواد. (١٣٧٨). **نامه باستان**، مجموعه مقالات. به اهتمام سعيد ميرمحمدصادق و نادره جلالی. تهران: پژوهشگاه و علوم انسانی و مطالعات فرهنگي.

٣٩- المقریزی أحمد بن علی بن عبدالقادر، أبو العباس، تقي الدين. (١٤٢٠). **إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع**، ج ١٥. المحقق: محمد عبدالحميد النميسي. بيروت: دار الكتب العلمية.

٤٠- الميداني، أبو الفضل أحمد بن محمد بن ابراهيم. (بی تا). **مجمع الامثال**، ج ٢. المحقق: محمد محي الدين عبدالحميد. بيروت: دارالمعرفة.

٤١- مينورسکی، ولاديمير فتودوروويچ. (١٣٧٨). **کرد: تاريخ، زبان و فرهنگ**. ترجمه محمد رثوف يوسفی نژاد. تهران: سهيل.

٤٢- النعمی، مريم عبدالله. (٢٠٠٧). **دعوة للتميز**. الرياض: العبيكان.

٤٣- النيسابوري، نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين. (١٤١٦). **غرائب القرآن و رغائب الفرقان**. المحقق: الشيخ زكريا عميرات. بيروت: دارالكتب العلمية.

- مقاله ها

١- رش احمدی، رسول، الميرا شاهرودی. (١٣٨٦). «ضرب المثل های تعليمی و تربیتی كُردی». مجله فرهنگ مردم ايران. شماره ١٠، صص ٢١٥-٢٢٨.

٢- سويلم الشرفات، صالح. (٢٠١١). «صورة المرأة في الأمثال الشعبية الأردنية». الأكاديمية للدراسات الاجتماعية و الانسانية. العدد ٧، صص ٣٤-٤١.

٤- شريم، رغدة. (٢٠٠٧). «المرأة في الأمثال والأقوال، رؤية معاصرة». مجلة العلوم التربوية. جامعة القاهرة: العدد الأول.

٥- الكندري، لطيفة حسين، محمد ملك، بدر. (٢٠٠٩). «معوقات تربية المرأة في الفكر التربوي الإسلامي و تداعياتها المعاصرة». مجلة البحث في التربية و علم النفس. جامعة المنيا. المجلد ٢٢، العدد ٢.

۶- محمدپور، احمد و کریمی، جلیل و معروف پور، نشمیل. (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی-مکریانی)». زن در فرهنگ و هنر. دوره ۴، شماره ۳، صص ۶۵-۸۳.

۷- محمد نجم و منور عدنان و عبدالعزیز علی، عزیزه. (۱۴۲۷). «صورة المرأة في الأمثال الشعبية الفلسطينية». دراسة مقدمة للمؤتمر العلمي. التاريخ الشفوي الواقع و الطموح. الجامعة الإسلامية. ۸- نفیسی، سعید. (۱۳۱۰). «ده پند انوشروان» مجله ارمنغان. سال دوازدهم، شماره ۹، ۶۲۳-۶۲۶.